

واکنش علیه مجرمین یقه آبی

از دیدگاه دادرسی عادلانه و نامه ۵۳ نهج البلاغه

محمد مظفری *

سیدمحمد حیدری خورمیزی **

شهرداد دارابی ***

چکیده

یک انسان رشدیافته، همان انسانی است که بر محور انسانیت و اصول فطرت خدادادی، حرکت می‌کند و از سه منبع عقل، وحی و تجربه، راه تعمیق و بسط اصول انسانی را، در عرصه‌های حیات مزرعه دنیا برای خود باز می‌کند. ولی گاهی این منابع خدادادی، بنا به دلایلی ناپدید یا کم‌رنگ می‌شوند و تبدیل به یک انسان بزهکار می‌گردد که به انواع گوناگون در جامعه تقسیم می‌شوند. یکی از آنها مجرمین یقه آبی هستند و این تفکیک یقه آبی از یقه سفید برجای مانده از نظریه ادوین ساترلند است. مجرمین یقه آبی به انسان‌هایی در دهک‌های پایین جامعه گفته می‌شود که مرتکب توده جرایم متعارف می‌شوند. از این رو، پژوهش حاضر درصدد است با روش توصیفی - تحلیلی به این سؤال اصلی پاسخ دهد که واکنش علیه مجرمین یقه آبی از دیدگاه دادرسی عادلانه و نامه ۵۳

* دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، قم، ایران (mozaffari8751@gmail.com).

** استادیار گروه فقه و مبانی حقوق، دانشگاه علوم اسلامی شهید محلاتی (ره)، قم، ایران (نویسنده مسئول: dr.heidary436@gmail.com).

*** دانشیار گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قم، قم، ایران (shahrdad.darabi@yahoo.com).

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۲۳

نهج‌البلاغه چگونه است؟ و به این نتیجه رسیده است که باتوجه‌به ضرورت دادرسی عادلانه، الزاماتی همانند کیفی‌سازی قوانین کیفری، بهبود وضعیت فرایند کیفری، لزوم افتراقی‌نگری در انسان‌های مجرم بر اساس نامه ۵۳ نهج‌البلاغه امام علی (علیه‌السلام) و لزوم شناخت کامل قاضی از آنها، مورد تبیین بیشتر در جامعه قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: انسان، مجرمین یقه آبی، دادرسی عادلانه، نامه ۵۳ نهج‌البلاغه، امام علی (علیه‌السلام).

بیان مسئله

تا پیش از آن که ادوین اچ ساترلند جامعه‌شناس آمریکایی در دهه ۱۹۳۰ میلادی نظریه معروف جرایم یقه سفید ارائه کند، مفهوم جرم یقه آبی با وجود کاربرد فراوان عملی خود به این عنوان در ادبیات جرم‌شناسی وجود نداشت. با پدیداری نظریه مهم و ساختارشکنانه جرم یقه سفیدی و تفکیک طبیعی میان این جرم و جرم یقه آبی توجه به همیشگی بودن ظن به بزهکاران فاقد مدارج قدرت و ثروت آشکار شد. همین واقعیت نیز سبب شد تا سرانجام راهکارهای مناسبی برای برطرف کردن این ظن همیشگی و عینی‌سازی پاسخ به کنش‌های جامعه‌ستیزانه آنان پیاده شود.

افزون بر این باید خاطر نشان شود که چگونگی رفتار کنشگران نظام عدالت کیفری با هر یک از کنشگران پرونده کیفری نیز از چشم‌اندازهای گوناگونی اهمیت دارد. چندان که امروزه جرم‌شناسی انتقادی به واکاوی آسیب‌شناختی این رفتارها و اثرگذاری‌های گوناگون و گاه نامطلوب آنها بر چگونگی مدیریت جامعه می‌پردازد.

یکی از جلوه‌های مهم مفهوم دادرسی منصفانه یا عادلانه، چگونگی رفتار با یک انسان در مرتبه اول و بعد نگاه مجرمانه است البته با توجه اینکه به مجرمان یقه آبی معروف شده‌اند، درحالی‌که این دسته از مجرمان که توده بزهکاران را تشکیل می‌دهند، ممکن است از چشم‌انداز دارا بودن حق خود بر دادرسی منصفانه با چالش‌هایی جدی مواجه شوند. چرا که فطرتاً چنین نبوده و لذا جا دارد که در نهج‌البلاغه از دیدگاه امام علی علیه‌السلام چنین انسان‌های مورد کار دادرسی‌ها قرار گیرد.

ترسیم ساختار تعاملات مدیریتی حاکمان از رهگذر تعمق، مهم‌ترین مؤلفه‌های مطرح در نامه امام علی علیه‌السلام به مالک‌اشتر، به‌وضوح بیانگر ژرفای معرفتی مکتب علوی است (اولاد

قباد و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۶۷). در نتیجه با مطالعه کتاب نهج البلاغه و به طور مشخص نامه ۵۳ نهج البلاغه آن می‌توان راهکارهای مناسبی را برای پاسداری از حق بر دادرسی منصفانه این دسته از انسان‌ها که خواسته یا ناخواسته برچسب بزهکار یقه آبی گرفته‌اند را دریافت کرد تا از این راه به برایندهای سازنده که ممکن است در پرتو آن برای جامعه و نظام عدالت کیفری از یک سو و نیز برای کنشگران پرونده کیفری و به ویژه متهم پدید می‌آید، دست یافت.

بر پایه این مراتب، مسئله اصلی پژوهش حاضر، واکنش علیه مجرمین یقه آبی از دیدگاه دادرسی عادلانه و نامه ۵۳ نهج البلاغه است، لذا به شیوه‌ی توصیفی - تحلیلی و با روش کتابخانه‌ی، در صد پاسخ بدین سؤال است که واکنش نظام عدالت کیفری علیه انسان‌های یقه آبی بر پایه مفهوم دادرسی عادلانه و نیز نامه ۵۳ نهج البلاغه چگونه است؟ و در صورتیکه رویکردهای نظام عدالت کیفری بر اساس نامه ۵۳ رعایت شود چه نتایجی را به دنبال دارد؟ در این خصوص پرداختن به تحلیل واکنش نظام عدالت کیفری علیه یقه آبی‌ها مبتنی بر مفهوم دادرسی عادلانه و نیز نامه ۵۳ در جامعه دارای اهمیت بسزایی می‌باشد.

آثاری که به‌عنوان پیشینه تحقیق می‌توان به آنها اشاره کرد عبارت‌اند از:

۱. مقاله «آسیب‌شناسی سیاست کیفری ایران در پرتو نظریه قوچ قربانی» نگارش سید محمود میرخلیلی، احمد حاجی آبادی و مهدی آقاجانی؛ چاپ شده در نشریه علمی «مطالعات حقوقی معاصر»، س ۱۲، ش ۲۳، تابستان ۱۴۰۰. در این اثر سیاست‌های نادرست در مواجهه با مجرمین آسیب‌پذیر از نابسامانی وضعیت اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جامعه مطالعه قرار می‌دهد و به این نتیجه رسیده است که سیاست‌گذاران کیفری ایران، هم در بخش تقنینی و هم در بخش قضایی، تا حدود زیادی به اندیشه‌ها و رویه‌های ناشی از سیاست کیفری امنیت محور و گفتمان عوام‌گرایی کیفری پایبند هستند.

ولی در پژوهش حاضر برای دستیابی به این هدف در آغاز، مفهوم بزهکاران یقه آبی مطالعه می‌شود. پس از آن واکنش در برابر این بزهکاران بر پایه آموزه‌های دادرسی عادلانه و نامه ۵۳ نهج البلاغه امام علی علیه‌السلام در مباحثی مستقل بررسی و سپس به ارزیابی این دو رویکرد پرداخته می‌شود.

۲. مقاله «تأثیر عوامل اقتصادی بر وقوع جرم» نگارش محمد علی مهدوی ثابت، محمدکیانی و زهرا سلیمان آبادی؛ چاپ شده در فصلنامه علمی تخصصی قضاوت، ش ۸۶، تابستان ۹۵؛ در این

پژوهش به یک علل از عوامل پیدایش جرم (اقتصاد) در مجرمین عادی و یقه آبی می‌پردازد و نویسندگان تلاش کردند که تأثیر عوامل اقتصادی را (که از محیط‌های اجتماعی عمومی می‌باشد) بر وقوع جرایم تشریح نماید و بعد از ذکر مقدمه‌ای در این رابطه، به بیان نظریات اقتصادی و تأثیر مفاهیم و عوامل اقتصادی بر وقوع جرم پرداخته‌اند.

حال آنکه در مقاله پیش‌رو ضمن طرح این عامل در وقوع جرم در صدد پاسخ به این سؤال است که آیا نوع واکنش به این مجرمین عادلانه است یا خیر؟ دیدگاه امام علی علیه‌السلام بر اساس نامه ۵۳ نهج‌البلاغه در واکنش به این بزهکاران چگونه است؟

۳. مقاله «پیشگیری از جرایم خونین یقه سرخ‌ها» نویسنده شهرداد دارابی، چاپ شده در نشریه «پژوهشنامه کیفری»، س ۹، ش ۲، پاییز ۱۳۹۷؛ در این اثر یقه سرخ‌ها را طیفی از مجرمین یقه سفید می‌داند که ضمن برخورداری از ظرفیت جنایی و توانایی تطبیق‌پذیری اجتماعی بالا، واجد اختلال‌های روانی از قبیل خودشیفتگی و شخصیت ضد اجتماعی هستند؛ و توضیح داده که اگرچه در ابتدا، مرتکب جرایم مالی و اقتصادی می‌شوند، اما از آنجا که در ادامه با خطر کشف و افشای جرایم خویش توسط نزدیکان، شرکای تجاری و کارمندان مواجه می‌شوند، دست به جرایم خونین می‌زنند و نسبت به حذف فیزیکی آنها اقدام می‌نمایند.

اما در مقاله حاضر به بررسی مجرمین یقه آبی و واکنش علیه این‌گونه مجرمان و نوع برخورد با این جرائم، البته برگرفته از نامه ۵۳ نهج‌البلاغه تبیین شده است.

۴. مقاله «بزهکاران یقه سفید» نویسنده: سید درید موسوی مجاب، چاپ شده در فصلنامه «مدرس علوم انسانی»، ش ۳، دوره ۸، س ۱۳۸۳، صفحات: ۶۱-۸۳؛ که در این اثر، در ابتدا بر اساس دیدگاه جرم‌شناسان، بزهکاران یقه سفید را فاقد وجدان اخلاقی، ولی از توان و استعداد بزهکاری بسیار زیاد و دارای میزان سازگاری و قابلیت اجتماعی بالا و دارای حالت خطرناک می‌داند و بعد در ادامه اشاره کرده که:

بزهکاران یقه سفید، اغلب به طبقات اجتماعی بالا - اعم از سیاسی، اقتصادی یا اجتماعی - تعلق دارند و با بهره‌گیری از قدرت و نفوذ مؤثر خود، به ارتکاب جرایمی همچون کلاهبرداری، اختلاس، ارتشا، جعل، سوءاستفاده از کارت‌های اعتباری و دیگر جرایم مشابه اقدام می‌کنند. آنها به لحاظ ظاهر آراسته، وجاهت عمومی و در پناه هوشیاری و مقبولیت اجتماعی، بزهکاران «یقه سفید» نام گرفته‌اند. در نتیجه اقدامات

بزهکارانه آنان، گاه تا مدت‌ها آثار شوم و دهشت باری بر ابعاد ساختاری جامعه به‌ویژه بعد اقتصادی سایه می‌افکند.

وجه افتراق پژوهش حاضر، بررسی انسان یقه آبی‌ها است که در دادرسی عادلانه مفهومی مهم در روزگار ما است و از چشم‌انداز بزهکاران یقه آبی، الزاماتی را همانند کیفی‌سازی قوانین کیفری و نیز بهبود وضعیت فرایند کیفری، بر اساس نامه ۵۳ نهج‌البلاغه را به دنبال دارد.

۱. مفهوم بزهکار یقه آبی

از چشم‌انداز دانش جرم‌شناسی نیز توجه به مفهوم بزهکاران یقه آبی و تفکیک آن از دیگر گونه‌ها به‌ویژه یقه سفیدی اهمیت دارد. چرا که بیگمان دستیابی به هر یک از اهداف نظام عدالت کیفری در زمینه کنش در برابر رفتارها گوناگون جامعه‌ستیزانه و به‌ویژه بزهکاری هنگامی به خوبی محقق می‌شود که جایگاه مرتکب دانسته شود.

در واقع، فردی‌سازی کیفر یکی از بنیادی‌ترین اصول حقوق کیفری در روزگار ما است که سبب می‌شود کیفر بیشترین میزان اهداف مدنظر خود را محقق کند. توجه به علل ارتکاب جرم از سوی بزهکاران یقه آبی و در نتیجه پیش‌بینی مناسب‌ترین پاسخ‌های کیفری در برابر آنها به‌ویژه در چارچوب رهیافت اصلاح و بازپروری سبب می‌شود که عدالت کیفری در بیشترین میزان خود روی دهد. بنابراین، مجرمان یقه آبی، انسان‌هایی هستند که هیچ‌گونه قدرت و اعتباری در جامعه، سیاست و یا اقتصاد ندارند و آن‌قدر فشارهای ناشی از اجتماع بر روی این دسته از افراد زیاد است که دست به ارتکاب جرم می‌زنند. این دسته از مجرمین از آنجایی که هیچ نفوذی در جامعه ندارند بلافاصله بعد از ارتکاب جرم دستگیر می‌شوند و اصولاً راهشان به زندان ختم می‌شود.

۲. واکنش علیه بزهکاران یقه آبی از دیدگاه دادرسی عادلانه

در ایران نیز دادرسی عادلانه دارای جایگاهی مهم است و هم در دکترین دادرسی کیفری و هم در عمل می‌توان بدان دست‌یافت. در این راستا، مناسب است برای آشنایی با جایگاه مفهوم دادرسی عادلانه در کشورمان، به مفهوم‌شناسی آن پرداخت.

در این راستا باید خاطر‌نشان شود که هر یک از مفاهیم به‌ویژه در قلمرو علوم انسانی دارای معانی لغوی و اصطلاحی یا فنی هستند که در همان رشته و باتوجه‌به بایسته‌های آن اعمال

می‌شوند. از همین رو در ادامه، به مطالعه مفاهیم لغوی و نیز فنی یا اصطلاحی دادرسی عادلانه پرداخته می‌شود.

دادرسی عادلانه از دو واژه دادرسی و عادلانه پدید آمده است. دادرسی به مفهوم رسیدگی به دادخواهی افراد و عادلانه نیز به مفهوم رسیدگی قضایی انجام شده بر پایه عدالت است. پس از مطالعه مفهوم بزهکاران یقه آبی اینک لازم است واکنش علیه آنان از منظر دادرسی عادلانه بررسی شود برای دستیابی به این هدف در ادامه از یک سو دادرسی عادلانه و از سوی دیگر اقتضانات آن برای واکنش در برابر بزهکاران یقه آبی از نظر گذرانده می‌شود.

۱.۲. دادرسی عادلانه

در طول تاریخ و در تمدن‌های گذشته می‌توان به جلوه‌هایی از دادرسی عادلانه دریافت. این مطالعه که با استفاده از راهبردهای مطالعاتی تاریخ تحولات حقوق کیفری انجام می‌شود به خوبی می‌تواند اهمیت و جایگاه دادرسی عادلانه را نشان دهد.

در منابع معتبر فقهی می‌توان جلوه‌هایی از توجه فقها را به مفهوم دادرسی عادلانه دید. برای نمونه در کتاب قضا که یکی از بخش‌های مهم در منابع معتبر فقهی به شمار می‌آید، نیز این جلوه تبلور بیشتری دارد و عدالت در دادرسی به چشم می‌خورد.

افزون بر این در سیره پیشوایان دینی نیز می‌توان نشانگان آشکاری را از توجه آنان به بایسته‌های دادرسی عادلانه یافت. برای نمونه، هنگامی که فردی یهودی نسبت به یک زره تحت ید امام علی علیه‌السلام ادعای مالکیت کرد، او همچون شهروندی عادی دعوای خود را در نزد قاضی مطرح کرد و هنگامی که قاضی خواست احترامی متفاوت را برای ایشان نسبت به طرف دیگر بر پا دارد، امام علی علیه‌السلام وی را به پاسداشت اصل دادرسی عادلانه فراخواند.

در جنگ احزاب نیز با وجود خیانت بنی‌قریظه و احتمال حمله آنان به مدینه، پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌دادگاهی نظامی برای محاکمه عادلانه آنان برپا کرد و از قاضی دادگاه؛ سعد بن معاذ انصاری خواست تا بر پایه دادرسی عادلانه در میان اینان حکم کند.

امروزه مفهوم دادرسی عادلانه یا دادرسی منصفانه، مفهومی بسیار مهم در قلمرو آیین دادرسی کیفری شده است. این مفهوم اساساً از سوی دادسراها و یا دادگاه‌ها انجام می‌شود که

جهت عدالت خواهی به وجود آمده و نقش مهمی در سالم سازی و عدالت محوری ایفا می کنند، این مفهوم و معنا به فقط به خاطر رعایت عدالت حقوق انسانی در دادرسی و دادگاه ها به وجود آمده که لازم است تمام موارد آن اجرا شود (مرادی، ۱۳۹۷: ۲۸).

امروزه در نظام های دادرسی کیفی در سرتاسر جهان نیز می توان نمودهای آشکاری از مفهوم بنیادین دادرسی عادلانه را دید. به گونه ای که باید بر آن بود که در روزگار ما، دادرسی عادلانه یکی از مهم ترین و بنیادی ترین سازه های نظام های دادرسی کیفی است.

۲.۲. اقتضات دادرسی عادلانه برای واکنش در برابر بزهکاران یقه آبی

پس از مطالعه مفهوم دادرسی عادلانه اینک لازم است مهم ترین اقتضات آن در هنگام واکنش به بزهکاران یقه آبی نیز از نظر گذرانده شود.

۲.۲.۱. کیفی سازی قوانین کیفی

دادرسی منصفانه به گونه ای آشکار اقتضا دارد که جامعه تنها به اصل قانونی بودن جرم، مجازات و مرجع قضایی بسنده نکند. بلکه با استفاده از راهبردی چون فعال سازی دکتین حقوق کیفی به افزایش کیفیت قوانین کیفی و پاسداری از آن بپردازد.

باتوجه به حساسیت های گوناگونی که به ویژه در مقایسه عملکرد نظام کیفی در راه مبارزه با بزهکاران یقه آبی وجود دارد، روشن است که تا چه اندازه تأکید بر افزایش کیفیت قوانین کیفی می تواند به تحقق بیش از پیش اهداف مدنظر قانون گذار منجر شود.

۲.۲.۲. کیفی سازی فرایند کیفی

باتوجه به اهمیت پیش گفته در نظر داشتن موقعیت مرتکب جرم در عین رعایت اصل تساوی، لازم است که همانند قوانین در هر زمان برای افزایش بیش از پیش کیفیت فرایند کیفی نیز افزایش یابد. در این صورت از یک سو می توان انتظار داشت که تحقق ارزش به نام دادرسی منصفانه بیش از پیش از سوی هر یک از کنشگران نظام عدالت کیفی دنبال شود.

۳. واکنش علیه بزهدکاران یقه آبی در نامه ۵۳ نهج البلاغه

نامه ۵۳ نهج البلاغه امام علی علیه السلام نیز از میان مفاهیم گوناگون و مهم خود از جمله انگاره‌های مهمی را برای چگونگی واکنش در برابر بزهدکاران یقه آبی دارد. از همین رو در ادامه شماری از این انگاره‌ها به گونه‌ای فشرده ارزیابی می‌شود.

۳.۱. لزوم افتراقی نگری در شهروندان

یکی از مهم‌ترین فرازهای این نامه، ضرورت افتراقی نگری به شهروندان و توجه آشکار به طبقات یا دسته‌های مردم است تا از این راه حاکم بتواند منویات حاکمیتی را در قبال آنان به خوبی اجرا کند. یکی از مهم‌ترین منویات پیش گفته نیز بی‌گمان نمایش واکنش‌های جامعه در برابر هر یک از جلوه‌های جامعه‌سستیزی و به‌ویژه رفتارهای مجرمانه است.

در این راستا امام علی علیه السلام در نامه ۵۳ نهج البلاغه (عهدنامه مالک اشتر) در طبقات

مختلف جامعه فرموده است:

وَاعْلَمْ أَنَّ الرَّعِيَّةَ طَبَقَاتٌ لَا يَصْلُحُ بَعْضُهَا إِلَّا بِبَعْضٍ وَلَا غَنَى بَعْضُهَا عَنْ بَعْضٍ فَمِنْهَا جُنُودُ اللَّهِ وَمِنْهَا كِتَابُ الْعَامَّةِ وَالْخَاصَّةِ وَمِنْهَا قَضَاءُ الْعَدْلِ وَمِنْهَا عَمَالُ الْإِنصَافِ وَالرِّفْقِ وَمِنْهَا أَهْلُ الْجَزِيَّةِ وَالْخَرَاجِ مِنْ أَهْلِ الدِّمَّةِ وَمُسْلِمَةِ النَّاسِ وَمِنْهَا التُّجَّارُ وَأَهْلُ الصَّنَاعَاتِ وَمِنْهَا الطَّبَقَةُ السُّفْلَى مِنْ ذَوِي الْحَاجَةِ وَالْمُسْكِنَةِ وَكُلٌّ قَدْ سَمَى اللَّهُ سَهْمَهُ وَوَضَعَ عَلَيَّ حِدَّهُ وَفَرِيضَتَهُ فِي كِتَابِهِ أَوْ سُنَّةِ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ عَهْدًا مِنْهُ عِنْدَنَا مَحْفُوظًا (سید رضی، ۱۴۱۴: ۳۷۱).

آگاه باش که رعیت دارای طبقاتی است که کار و کردارشان جز به کمک به یکدیگر درست نمی‌شود و هیچ کدام از یکدیگر بی‌نیاز نیستند. گروهی از آنان جنود و سپاه الله هستند و گروهی دیگر نویسندگان عمومی و خصوصی هستند و گروهی قاضیان عدالت هستند و گروهی دیگر کارگزاری هستند که منصف و اهل مدار هستند و گروهی دیگر جزیه دهنده هستند و گروهی از اهل ذمه و مسلمان خراج دهنده هستند و گروهی دیگر تاجر هستند و گروهی صنعت گر هستند و گروهی طبقه پایین جامعه هستند که نیازمند هستند، خدا برای آنها سهم مشخص کرده است که اندازه این سهم در قرآن و سنت پیغمبر صلی الله علیه و اله و سلم آمده است و امر کرده که نزد ما محفوظ است.

این متن و به‌ویژه فراز پایانی آن به‌خوبی نشان‌دهنده واقع‌بینی سیاست جنایی علوی در ره‌شناخت و دقیق همه تابعان نظام کیفری است. در واقع هر یک از این شهروندان که بسیاری از آنان در صورت ارتکاب جرم شمار بزهکاران یقه آبی جای دارند، در صورت وجود چنین شناخت دقیقی از سوی قاضی با پاسخ‌هایی کارآمد مواجه می‌شوند.

۲.۳. لزوم شناخت کامل قاضی از مرتکبان

بی‌گمان قاضی دارای جایگاهی مهم در فقه اسلامی است و از همین رو شرایط ویژه‌ای برای آن تعیین شده است.

از نامه ۵۳ امام علی علیه‌السلام برمی‌آید که قاضی باید هر یک از مرتکبان جرایم یقه آبی را به‌خوبی شناخته و بکوشد تا پاسخ‌های خود را در راه برقراری عدالت و پاسداری از کیان جامعه بر پایه این شناخت کامل تعیین و تنظیم کند.

۳.۳. مشروعیت بخشیدن به عدالت کیفری

در نامه ۵۳ نهج‌البلاغه امام علی علیه‌السلام صراحتاً برقراری عدالت به‌عنوان یک بایسته مهم برای حاکمیت در نظر گرفته شده است. مولا امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: «آگاه باش بهترین موردی که باعث نور دیده حکومت داران می‌شود برپاداشتن عدالت در تمام شهرها است و همچنین روشن شدن دوستی رعیت‌ها به آنها می‌باشد» (سیدرضی، ۱۴۱۴: ۳۷۲).

بی‌گمان مبارزه مناسب و عادلانه با پدیده جرم یقه آبی خود به‌خوبی به مفهوم برقراری بینش‌های عدالت است و در نتیجه سبب رخداد بیش‌ازپیش محبت میان مردم و در نتیجه اعتماد به نظام عدالت کیفری می‌شود.

۴.۳. مبارزه با فساد

سیاست جنایی در برداشت از عدالت به‌درستی به مفهوم سلامت اداری توجه کرده است تا از این راه بتوان هر یک از راهبردهای مدنظر و از جمله پاسخ‌دهی به جرایم مرتکبان یقه آبی را سازمان داد.

در نامه ۵۳ امام علی علیه‌السلام می‌فرمایند: «برای حکومت‌دار، نزدیکان و بستگانی است که همه چیز را برای خود می‌خواهند و در معاملات خود با انسان‌های دیگر رعایت عدل انصاف ندارند، ریشه این اخلاق را برکن» (سیدرضی، ۱۴۱۴: ۳۸۰).

با این هشدار می‌توان دریافت که رسیدن به هدفی همانند برقراری عدالت کیفری در راه مبارزه مناسب با مجرمان یقه آبی مستلزم پالایش هر چه بیشتر نظام کیفری از مظاهر فساد و از جمله سوءاستفاده از قدرت است.

۳.۵. توجه به تقلید بزهکاران

امروزه هم‌نشینی با بزهکاران یکی از راه‌های انتقال شیوه‌های ارتکاب جرم است. در طول تاریخ جرم‌شناسی نیز جرم‌شناسان بزرگی به این مهم پرداختند. برای نمونه، گابریل تارد؛ جرم‌شناس فرانسوی تقلید را به‌عنوان نظریه‌های مهم تدوین نمود و در آغاز سده بیستم نیز، ادوین اچ ساترلند؛ جرم‌شناس نامدار آمریکایی نظریه معاشرت‌های ترجیحی یا افتراقی یا برتری یافته را بیان کرد.

در این باره باید دانست که تقلید بزهکاران از یکدیگر به پیدایش پدیده مشارکت جنایی منجر می‌شود که خود از چشم‌انداز دانش‌های گوناگون در علوم جنایی، پیامدهای بسیار مهمی را به همراه دارد.

مشارکت جنایی خود دارای معاونت، شرکت جرم و جرایم سازمان‌یافته می‌شود. مشارکت جنایی هم در حوزه دانشی جرم‌شناسی و هم حقوق کیفری دخیل است؛ ولی بازهم مشارکت در هر حوزه بسته به علل و عوامل قلمرو مخصوص خود را دارد که بر پایه سه الگو در تحقق آن برنامه‌ریزی می‌شود: مشارکت ناخودآگاه، مشارکت تبانی محور، مشارکت سازمان‌یافته (محمدی، عباس‌زاده امیرآبادی، ۱۳۹۴: ۱۲۵).

در نهج‌البلاغه نیز این عامل به‌عنوان عاملی جرم‌زا مورد توجه قرار گرفته است. امام علی علیه‌السلام در این ارتباط می‌فرمایند «مَجَالَسَةُ أَهْلِ الْهُوَى مَسَاةٌ لِلْإِيْمَانِ وَ مَحْضَرَةٌ لِلشَّيْطَانِ» (سیدرضی، ۱۴۱۴: ۸۳).

هم‌نشینی با هوا پرستان ایمان را به دست فراموشی می‌سپارد و حاضر کننده شیطان است.

در واقع، در جرم‌شناسی گفته می‌شود که بسیاری از بزهکاران سبک زندگی ویژه خود را دارند و اصطلاح سبک زندگی از جمله واژگانی است که برای نخستین بار در فرهنگ مدرنیته

مطرح شد. امروزه نیز که در کشور ما بر مفهوم سبک زندگی اسلامی و ایرانی تأکید می‌شود، باید این امر را به خاطر داشت که نهادینگی هوا و هوس و شهوت در جامعه و افزایش هم‌نشینی با باورمندان به این مؤلفه‌ها بسیار ناپسند است و از یک سو به زوال سبک زندگی اسلامی انجامیده و از سوی دیگر در پرتو پیدایش مؤلفه تقلید جرم‌شناختی، به گسترش دامنه‌های جرم و بزهکاری در جامعه منجر می‌شود.

اگرچه سبک زندگی در آموزه‌های دینی و قرآنی به طور مکرر و با الفاظ و عبارات گوناگون مطرح شده است، سبک زندگی اسلامی به معنای زیستن بر اساس آموزه‌های اسلامی بوده که از این نظر با عقل معاش در نهج‌البلاغه می‌تواند مترادف باشد، تدبیر امور مالی، اصلاح الگوی مصرف، کار و تلاش، قناعت و ساده‌زیستی و معیشت و رفاه از شاخصه‌های عقل معاش در نهج‌البلاغه بوده که سبک زندگی اسلامی را رقم می‌زند. با استفاده از مطالب مذکور می‌توان گفت که عقل معاش و سبک زندگی اسلامی رابطه‌ای دو سویه داشته که با پیاده‌کردن شاخص‌های عقل معاش در زندگی، می‌توان به سبک زندگی اسلامی دست‌یافت.

افزون بر این، امام علی علیه‌السلام در نهج‌البلاغه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را به پزشکی تشبیه می‌کند که صرفاً در مطلب خود نمی‌نشیند، بلکه به دنبال بیماران جهت مداوای آنان می‌رود (سیدرضی، ۱۴۱۴: ۱۲۰).

پیامبر خدا طیبی بود سیار که داورهایش با دقت، داغ‌کردن‌هایش عمیق که در موارد نیاز استفاده می‌کرد، با درمان‌هایش دل‌های کور، گوش‌های ناشنوا و زبان‌های بسته را مداوا می‌کرد؛ با داروهای خود به دنبال جایگاه‌های فراموشی و جایگاه‌های سرگردانی بود (فیض الاسلام، ۱۳۶۵: ۳۲۱).

بنابراین، الگوبرداری از این شخصیت آسمانی تا اندازه بسیاری مسلمانان را از افتادن گرداب بزهکاری نجات دهد.

۳.۶. رعایت کرامت انسانی افراد

امام علی علیه‌السلام توجه ویژه‌ای به رعایت کرامت انسانی شهروندان دارد. چنان‌که حتی از فرزند ارشد خود - امام حسن مجتبی (علیه‌السلام) - خواستار رعایت کرامت انسانی قاتل خود، این ملجم مرادی لعنه الله علیه شد. انسان باید همواره به این کرامت وجودی خویش توجه داشته

باشد و خود را از هر پستی در امان دارد. امام علی (ع) در این باره در نامه خود به فرزندش امام حسن (ع) می‌فرماید:

خود را گرامی بدار و از هر گونه فرومایگی هر چند خواسته‌های (مادی و دنیوی) تو را تأمین کند، بپرهیز؛ زیرا هرگز در عوض آنچه از خود بر سر این کار می‌نهی، چیزی دریافت نمی‌کنی و بنده دیگری مباش که خدا تو را آزاد آفریده است (سیدرضی، ۱۴۱۴، نامه ۳۱).

امروزه رعایت کرامت انسانی شهروندان یکی از مطالبات بنیادین افکار عمومی از نظام‌های عدالت کیفری است. تا آنجا که معیارهای ارزیابی عملکرد و نیز مشروعیت این نظام‌ها بر پایه میزان پاسداشت کرامت انسانی مراجعه‌کنندگان به نظام عدالت کیفری شناخته می‌شود. جهت رعایت کرامت انسانی که مهم‌ترین زیر بنای اصل حقوقی است، شکنجه ممنوع است که مبنای آن توهین به کرامت انسان است در این زمینه تمام تلاش‌ها شده است به طوری که آرام آرام ذهن‌ها به سوی قبح این عمل روانه شده است.

۳.۷. استفاده از شیوه‌های پیشگیری نرم

بی‌گمان در برابر بزهکاران یقه آبی که مخاطره کمتری برای جامعه دارند پیشگیری نرم بسیار اهمیت داشته و از پایداری بزهکاری در آنها جلوگیری می‌کند. بزه، انحراف، کژروی عمری برابر با عمر بشر دارد و همواره اسباب اذیت و آزار بشر را فراهم نموده است. مقابله با آن از قدیمی‌ترین مقوله‌های مورد توجه بشر است. افزایش روزافزون نرخ جرم در جوامع و نیز عدم موفقیت رفتارهای سرکوب‌گر حقوق کیفری در مبارزه با پدیده جرم دلایل گرایش و رونق پیشگیری‌های غیرکیفری و از آن جمله پیشگیری وضعی می‌باشد. پیشگیری وضعی مورد توجه جرم‌شناسان دهه‌های اخیر قرار گرفته و امروزه اهمیت فوق‌العاده‌ای در مطالعات جرم‌شناسانه پیدا کرده است. گفتار، رفتار و تقریر معصومین علیه‌السلام حاوی مطالب فوق‌العاده ارزشمندی است که هر یک می‌تواند نقشه راه بشریت باشد (موسوی‌نیا، ۱۳۹۷: ۵۳).

در این راستا، امام علی علیه‌السلام در نهج‌البلاغه، توجه ویژه‌ای را به درپیش‌گرفتن راهکارهای پیشگیری نرم و ملاطفت‌آمیز از گناهان و جرایم انسان نشان داده است. امام علی علیه‌السلام نیز در جایی می‌فرماید: «دل‌های انسان‌ها بیگانه و نامأنوس‌اند. هر کس از راه محبت وارد شود، با او الفت می‌گیرند» (سیدرضی، ۱۴۱۴، حکمت ۵۰).

۴. ارزیابی واکنش علیه بزهکاران یقه آبی در دادرسی عادلانه و نامه ۵۳ نهج البلاغه

پس از مطالعه جلوه‌های گوناگون مبارزه با جرایم یقه آبی در دادرسی منصفانه و نیز نامه ۵۳ نهج البلاغه اینک لازم است به ارزیابی آن پرداخته شود.

۴.۱. تطابق با اصول بنیادین حقوق کیفری مدرن

حقوق کیفری مدرن در روزگار ما بر پایه اصول بنیادینی استوار است که باید در هر زمان این اصول در بیشترین میزان خود محقق شود.

برای نمونه می‌توان به اصل تساوی افراد در برابر قوانین کیفری اشاره کرد. در این راستا،

امام صادق علیه‌السلام از امیرالمومنین علی علیه‌السلام خطاب به عمر بن خطاب نقل کردند:

سه مورد است اگر آنها را محفوظ دارای و به آن سه مورد عمل کنی، شخص تو را از غیر کفایت می‌کند، و اگر عمل نکنی غیر از آن تو را هیچ فایده و نفعی ندارد، عمر گفت آنها کدام است یا ابوالحسن: امام علی علیه‌السلام فرمود: اقامه حد الهی بر خویشاوندان و غریبان، حکم نمودن بر اساس قرآن در حالت رضایت و خشم و تقسیم عادلانه بین انسان‌های سرخ و سیاه. عمر گفت به جان قسم که رسا و مختصر گفתי (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۷: ۲۱۲).

این کلام امام علی علیه‌السلام به خوبی نشان‌دهنده تطابق با اصل تساوی افراد در برابر قانون است. بدین ترتیب در صورتی که بزهکاران یقه آبی بیشترین میزان پیوند را با هر یک از طبقات حاکم داشته باشند، باز هم باید به گونه‌ای برابر با دیگران مورد رفتار واقع شوند.

افزون بر این باید خاطر نشان شود که در نامه ۵۳ هر یک از چالش‌های فرا روی حکمرانی که در امر بهینه‌سازی حکمرانی کیفری نیز اهمیت بسیار دارد به خوبی مورد توجه قرار گرفته است. این نگاه جزئی و مشروح که خود یادآور جرم‌شناسی خرد است، نشان می‌دهد نامه ۵۳ امام علی علیه‌السلام یک منشور مهم جرم‌شناسی به شمار می‌رود.

۴.۲. توانمندسازی نیروی انسانی نظام عدالت کیفری

دیگر راهبرد قابل‌تشخیص در دادرسی عادلانه نیز نامه ۵۳ نهج البلاغه که می‌تواند فرجام پیروزمندی را برای مبارزه با بزهکاران یقه آبی پدید آورد، رویکرد توانمندسازی نیروی انسانی است که در ادامه هر یک از جلوه‌های آن از نظر گذرانده می‌شود.

۴.۲.۱. توانمندسازی رفتاری

بی‌گمان تنها در صورتی می‌توان به تحقق اهداف مدنظر از مبارزه با پدیده مجرمانه امیدوار بود که نیروی انسانی کنشگر در هر یک از سازه‌های نظام عدالت کیفری بیشترین میزان توانمندی را برای انجام این رسالت خطیر دارا باشد.

در این راستا امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: «از خودبینی بپرهیز و از اطمینان به موردی که باعث تعجبت شده بپرهیز و از دوست‌داشتن مدح دیگران بپرهیز، پس به‌درستی که مطمئن‌ترین فرصت برای شیطان است تا احسان کننده را از بین ببرد» (سیدرضی، ۱۴۱۴: ۳۸۲).

در واقع این جلوه از توانمندسازی نیروی انسانی تنها یکی از رهیافت‌های گوناگون توانمندساز امام علی علیه‌السلام است و نشان می‌دهد که تا چه اندازه مضامین گوناگون عملکردی موجود در نامه ۵۳ نهج‌البلاغه با معیارهای امروزی مطابقت دارد.

برای نمونه، مطالعه نامه ۵۳ نهج‌البلاغه نشان می‌دهد که در میان ابعاد شش‌گانه حفاظتی، سه بعد حفاظت کارکنان، حفاظت اسناد و حفاظت اماکن مورد توجه و تاکید امام علی علیه‌السلام در این نامه بوده است. در این میان حفاظت کارکنان با بیشترین فراوانی مؤلفه‌ها در سرلوحه فرامین حضرت قرار دارد و در دو بعد دیگر نیز توجه اصلی حضرت بر عامل انسانی است و این خود می‌تواند دلیلی بر انسان‌ساز بودن مکتب ائمه اطهار (ع) باشد (فشی و نبئی، ۱۳۹۷: ۵۵).

به‌طور کلی باید خاطر نشان شود که یکی از دلایل ناکارآمدی نظام عدالت کیفری در راه مهار تکانش‌های گوناگون ناشی از بزهکاران یقه آبی، متأثر شدن آنان از کنش‌های این مجرمان است. حال آن که درپیش‌گرفتن راهبردهای مناسب توانمندساز برای کارکنان مشغول به کار در هر یک از سازه‌های نظام عدالت کیفری می‌تواند به‌خوبی زمینه مهار این جرایم را به همراه آورد.

۴.۲.۲. توانمندسازی مالی

بر پایه انگاره‌های امروزی علوم جنایی و نیز آموزه فنون خنثی‌سازی از دیدید متزا، برخی از کاستی‌ها و توجیهاات هم پیوند با آن به گسترش جرم در جامعه می‌انجامد. در این میان وجود چالش‌های مالی می‌تواند سبب ناکارآمدی نظام عدالت کیفری در این راه شود.

بدین ترتیب در نامه ۵۳ نهج البلاغه به درستی بر ضرورت توانمندسازی مالی کنشگران حاکمیتی و از جمله نظام عدالت کیفری تأکید شده است. به گونه‌ای که امام علی (ع) فرازهای متعددی را به ضرورت در پیش گرفتن این رویکرد اختصاص داده است. بنابراین، امور مربوط به مالی کارگزار، از مهم‌ترین مقدمات سلامت یک کشور و جامعه است، به‌خاطر همین امام علی علیه‌السلام در تمام موارد دستوری خود بر برآوردن نیازهای مالی کارگزار ویژه دستور دادند که اگر تأمین نشود اثرات مخربی بر جا می‌گذارد چرا که در پی آن اختلاس، رشوه و... را در پی دارد (رضایی هفتادر و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۰۱).

نتیجه‌گیری

چگونگی رفتار با انسان جرم خواه در فرایند کیفری و خواه در هنگام اجرای مجازات به‌عنوان واپسین بخش از فرایند کیفری اهمیت بسیار دارد. چرا که می‌تواند سبب پیروزمندی و یا ناکامی نظام عدالت کیفری در ره تحقق هر یک از اهداف خود از این روند شود. در این میان پس از رهیافت سرنوشت‌ساز جرم یقه سفیدی از ساترلند و سپس مفاهیم هم پیوند دیگر از او همانند جرم شرکتی، توجه به مبارز مناسب با جرایم یقه آبی نیز جلب شد. در واقع تردیدی وجود ندارد که با وجود ایرادگیری ساترلند از توده پژوهش‌های جرم‌شناسی و نیز نظام عدالت کیفری مبنی بر تمرکز انحصاری بر جرایم یقه آبی، تلویحاً بازنگری در انگاره‌های سنتی مربوط به جرایم یقه آبی نیز در دستور کار قرار گرفت.

مفهوم دادرسی عادلانه نیز یکی از بنیادی‌ترین و اثرگذارترین مفاهیم در دکترین معاصر آیین دادرسی کیفری است. هر یک از نظام‌های دادرسی کیفری در سرتاسر جهان، افزون بر آن که همواره با استناد به وجود یا نبود این معیار ارزیابی می‌شوند، باید به انتظار پیامدهای گوناگون ناشی از تحقق یا عدم تحقق این مؤلفه در قلمرو خود نیز باشند. از همین رو چگونگی مبارزه نظام کنشگران عدالت کیفری با پدیده مجرمان یقه آبی نیز از چشم‌انداز مقتضیات دادرسی عادلانه اهمیت بسیار آشکاری دارد. به گونه‌ای که با توجه به بایسته‌های گوناگون برخاسته از مفهوم دادرسی عادلانه می‌توان امیدوار بود که رویکردهای نظام عدالت کیفری در این راستا که همواره با صرف هزینه‌های عمومی معتناهی انجام می‌شود، هر یک از نتایج مورد انتظار را به‌خوبی تحقق بخشد.

نامه ۵۳ نهج‌البلاغه امام علی علیه‌السلام انگاره‌های نظری بسیار مهمی را برای مبارزه کارآمد با پدیده مجرمین یقه آبی به دست می‌دهد. در واقع در این نامه دیده می‌شود که سیاست جنایی علوی با تبیین رسالت‌های مهمی برای حاکم و از جمله قاضی می‌کوشد تا افزون بر کاستن از زمینه‌های رخداد اشکال گوناگون بزهکاری و از جمله بزه‌های یقه آبی، پاسخ‌های مناسبی را نیز در برابر این دسته از مجرمان پیاده کند.

البته روشن است که گستره مفاهیم موجود در نامه ۵۳ نهج‌البلاغه چگونگی رفتار با مجرمان یقه آبی تا اندازه‌ای است که هر یک از واقعیات مربوط به آنان را در بر می‌گیرد. با وجود این مناسب است که بسته به هر یک از موارد مورد تمرکز، بر برخی از این واقعیات تأکید شود تا از این راه بتوان به بیشترین نتیجه از عملکرد در برابر مجرمین یقه آبی دست یافت.

نکته مهم درباره انگاره‌های گوناگون سیاست جنایی موجود در نامه ۵۳ البلاغه این واقعیت بسیار مهم است که همه راهبردهای آن به گونه‌ای در علوم جنایی امروزیین چهره یافته است. به طوری که برای نمونه، رویکردهای مربوط به کنشگران حاکمیتی از یک سو و نیز زمینه‌های گوناگون منجر به ارتکاب جرم به صورتی کاملاً مناسب در این نامه مورد توجه قرار گرفته است. به طور کلی باید خاطر نشان شود که امروزه و با باروری نمایان دانش نوپای جرم‌شناسی می‌توان بسیاری از مدل‌ها و آموزه‌های این دانش را در کتاب نهج‌البلاغه یافت. این واقعیت نشان می‌دهد که امام علی علیه‌السلام سده‌ها پیش‌تر از آن که آموزه‌های جرم‌شناسی در چارچوب دانشی مستقل و متمایز جای گیرد بر اهمیت و پیامدهای بسیار سازنده آن در راه مبارزه با جرایم و آسیب‌های اجتماعی واقف بوده و کوشیده تا از این راه، شمار جمعیت کیفری جامعه را کاهش دهد.

منابع

- قرآن کریم
- نهج البلاغه، سید رضی (۱۴۱۴ق)، گردآورنده فرمایشات امام، امیرالمؤمنین علیه السلام در یک جلد، قم: مؤسسه نهج البلاغه.
- اولاد قباد، بهاره؛ فتاحی زاده، فتحیه؛ محمص، مرضیه (۱۳۹۹)، ساختار تعاملات مدیریتی حاکمان از رهگذر تحلیل محتوای نامه ۵۳ نهج البلاغه، مجله مطالعات قرآن و حدیث، شماره ۲۶.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل البیت علیهم السلام.
- رضایی هفتاد، حسن و همکاران (۱۳۹۶)، تأمین مالی کارگزاران در نظام اداری علوی (ع) با تأکید بر نامه ۵۳ نهج البلاغه، مجله حدیث و اندیشه، شماره ۲۳.
- فشی، حامد؛ نبئی، حسن (۱۳۹۷)، بررسی ابعاد و مؤلفه‌های حفاظتی نامه ۵۳ نهج البلاغه، مجله پژوهش‌های حفاظتی و امنیتی، شماره ۲۶
- فیض الاسلام اصفهانی، علی نقی (۱۳۶۵)، ترجمه و شرح نهج البلاغه، تهران: انتشارات سپهر
- محمدی، قاسم؛ عباس زاده امیرآبادی، احسان (۱۳۹۴)، رویکرد جرم شناختی به مقوله مشارکت جنایی، مجله پژوهش حقوق کیفری، شماره ۱۲.
- مرادی، قاسم (۱۳۹۷)، اصول حاکم بر روند دادرسی عادلانه، فصلنامه جستارهای حقوق عمومی، دوره ۲، شماره ۴.
- موسوی نیا، سیدعلی؛ کیانی، امین؛ ویس کرمی، مهرداد (۱۳۹۷)، پیشگیری وضعی از جرم در آموزه‌های علوی، چهارمین کنگره بین‌المللی فرهنگ و اندیشه دینی.